

انتشار برای اولین بار؛

روایت یک دیدار ویژه در اوج فتنه

اشاره: سی‌ام تیرماه ۱۳۸۸ کشور همچنان از التهابات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری رنج می‌برد. رسانه‌های بیگانه و بلندگوهای داخلی‌شان همچنان مشغول تردیدافکنی در اعتماد مردم و مشروعیت نظام هستند. در این شرایط، جمعی از فضایی‌های حوزه علمیه دیداری با رهبر انقلاب دارند تا دیدگاه‌های خود در مورد انتخابات و مسائل کشور را بی‌پرده با ایشان در میان بگذارند. برای آنکه سخنان حضار صریح مطرح شود، جلسه از حضور دیگران خلوت شده بود. مشروح دیدار نیز در آن ایام منتشر نگردید و حتی خبر رسمی نیز از آن به بیرون درز نکرد. نظر به اهمیت این موضوع، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، در کتابی تحلیلی-روایی درباره‌ی فتنه ۸۸ که حاوی بخش‌هایی از بیانات و مواضع منتشر نشده‌ی رهبر انقلاب اسلامی درباره فتنه است و به زودی روانه بازار می‌شود، با یکی از حاضران در این جلسه، گفت‌وگویی انجام داده است که بخش‌هایی از آن همزمان با سالگرد حماسه‌ی نهم دی‌ماه تقدیم مخاطبین محترم شده است.

* شما در پایان تیرماه سال ۱۳۸۸ به همراه تعدادی از فضایی‌های حوزه علمیه قم، با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار داشتید به عنوان مقدمه گفت‌وگو توضیح دهید چرا این دیدار انجام شد؟

رهبر معظم انقلاب از طرق مختلف با حوزه در ارتباط دو طرفه هستند. گاه این ارتباطها با واسطه و گاه بی‌واسطه است. یکی از روحانیونی که در این زمینه بسیار فعال هستند جناب آقای مروی {معاون امور حوزوی دفتر رهبری} است. ایشان در طول سال و به‌طور مستمر با مراجع، علما و فضایی‌های حوزه دیدار و جلسه دارند و ضمن رصد تحولات در موضوعات مبتلابه جامعه و نظام و حوزه با آنها رایزنی و مشورت می‌کنند و مسائل را به رهبر معظم انقلاب و یا دفتر ایشان منتقل می‌کنند.

جمعی که در آن تاریخ خدمت رهبر انقلاب رسیدند، بخشی از فضایی‌های حوزه بودند که در ایام انتخابات ۸۸ و بعد از حوادث پیرامون آن، در درون حوزه به صورتی احساس مسئولیت می‌کردند و به دنبال نوعی راهکار برای حل مسائل بودند، بعضاً دیدارهایی را با برخی از مراجع ترتیب داده بودند؛ آن روزها حوزه بسیار محل آمد و شد گروه‌های مختلف بود و خیلی از مسائل داشت رقم می‌خورد. هر کس احساس می‌کرد که نقشی را باید ایفا کند و نمی‌شد ساکت و منتظر ماند. برخی از این دوستان از طریق نوشتن نامه خطاب به آقا و برخی از طریق آقای مروی و حتی مواردی از طریق دفتر، نظرات خود را در مورد مسائل پیش‌آمده مطرح کرده بودند. در این گفت‌وگوها و در آن نامه‌ها بعضاً تقاضای دیداری خدمت ایشان هم مطرح شده بود و این دیدار در پایان تیر ماه سال ۸۸ انجام شد.

* فضای جلسه چگونه بود؟

در آن نشست، فضا کاملاً یک فضای طلبگی بود؛ یعنی بحث مثل محیط‌هایی که طلبه‌ها سرِ درس و بحث گفت‌وگو می‌کنند با حفظ احترام و شئونی که وجود داشت. اصولاً جلسه، جلسه رسمی‌ای نبود. دوستان بعضاً هرچه به ذهنشان می‌رسید بیان می‌کردند. فضای گفت‌وگو بود؛ یعنی هیچ کدام از دوستان احساس‌شان این نبود که دارند یک کار رسمی می‌کنند؛ آمده بودند تا تحلیل خودشان را عرضه بکنند و بشنوند و بگویند؛ یعنی باز تحلیلشان نسبت به آنچه که از حضرت آقا می‌شنوند را هم بگویند.

*برگزاری جلسه به این شیوه، نظر فضلا بود؟

دو طرفه بود؛ یعنی هرچند این شیوه مورد نظر ما بود اما عامل تحقق گفت‌وگو، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودند. استقبال ایشان از این گفت‌وگو هم بسیار مناسب و خوب بود؛ یعنی دامن زد به اینکه بحث به همین ترتیب تا آخر ادامه پیدا نکند. ایشان دو نکته را بیان کردند که جلسه را از یک جلسه رسمی خارج و به جلسه استاد و شاگردی تبدیل کرد: نکته اول ایشان این بود که ما همیشه در حوزه پُر شما را می‌دهیم و به تلاش‌های شما در جهت تعالی روزافزون نقش و جایگاه و کارکرد حوزه امیدواریم و هر نوع حمایتی از آن می‌کنیم. بر همین اساس نکته دومی که نقل به مضمون بر آن تاکید فرمودند این بود که هر چه می‌خواهد دل تنگتان بگوید.

جلسه در سه مقطع و سه بخش تقسیم می‌شد: بخش اول، تحلیل‌ها و پرسش‌هایی بود که دوستان مطرح کردند، بخش دوم، پاسخی بود که آقا نسبت به مباحث مطروحه دادند و علاوه بر آن به منشاء مسائل پیش‌آمده پرداختند؛ و در بخش سوم هر کدام از دوستان دو مرتبه بر اساس پاسخی که ایشان دادند، اظهار نظر کردند.

*محورها یا مسائلی که مدنظر دوستان بود - اعم از اینکه تحلیل داشتند، یا شبهه و ابهام و پرسش - چه بود؟

مطلب نخست این بود که آیا ایشان در این انتخاباتی که واقع شده به دنبال یک جراحی و حذف جمعی هستند و یا اینکه یک رویکرد دیگری وجود دارد؟ البته نظر دوستان این بود که اگر این‌طور چیزی هست گفت‌وگو دارند و قاعدتاً آنچنان که از رهبری حضرت امام (رضوان‌الله‌تعالی) سابقه‌ای وجود دارد و از پیشینه‌ای که در فعالیت‌های خود حضرت آقا بویژه در دوران اصلاحات هست، نه این چنین بوده و نه چنین توقعی می‌رود؛ و لذا واقعاً پرسش و ابهام بود. ابهام نه برای خود عزیزی که آنجا بودند. این ابهامی بود که بعضاً در سطح جامعه هم مطرح می‌شد و سؤال بود که نیاز داشت پاسخش از خود رهبر معظم انقلاب شنیده بشود و ببینیم که چه رویکردی وجود دارد.

محور دوم این بود که به نظر دوستان برخی از مواضع و رفتارهای صورت گرفته در دولت آقای احمدی‌نژاد یک نوع اختلال در مناسبات بین رهبری با جمعی از مراجع و بزرگان حوزه به وجود آورده است.

مسئله دیگری که اشاره شد، حضور یک جریان بی‌منطق است که خیلی مواضع تند می‌گیرد و برخوردهای خشنی انجام می‌دهد که عملاً به سوی حذف برخی‌ها پیش می‌روند؛ یعنی توقع دارند که یک برخورد حذفی و جراحی‌ای نسبت به همه افرادی باشد که به نحوی در انتخابات ۸۸ به کاندیداهای غیرمنتخب رأی دادند یا در یک مسیر متفاوتی بودند و این برخوردهای نادرست گاه نسبت به شخصیت‌های حوزوی دارد انجام می‌شود.

*درباره برخی رخدادهای نادرست و تشنجات بوجود آمده پس از انتخابات مانند مجتمع سبحان و کهریزک و درگیری‌های خیابانی هم گفت‌وگویی صورت گرفت؟

بله. البته پیامدهای اجتماعی این حوادث غیرقابل دفاع و چگونگی مدیریت مسائل مرتبط با انتخابات مدنظر دوستان بود. چون آنچه که اثر اجتماعی دارد متن خود واقعه به تنهایی نیست. این فضایی است که ایجاد می‌شود و برداشتی است که جامعه از این مسأله

می‌کند؛ از اصل تقلب که در جامعه داشت القاء می‌شد، تا این حوادثی که بعد اتفاق افتاده بود و عملکرد صداوسیما نسبت به این امر که احیاناً خوب مدیریت نمی‌شد و یا عملکرد نیروی انتظامی که باز ذهنیت جامعه را نسبت به حادثه‌ای که داشت اتفاق می‌افتاد بیشتر مشوش می‌کرد.

* به ادعای تقلب اشاره کردید که بنیان شروع فتنه پس از انتخابات بر آن نهاده شد. چه مباحثی از سوی فضلا درباره ادعای تقلب مطرح شد؟

تقریباً این در ذهن دوستان کاملاً مسلّم بود که در انتخابات، تقلبی انجام نشده. به همین دلیل، عمدتاً مسائل پیرامون انتخابات در جلسه مطرح شد و اتفاقاً این آقا بودند که بعد بحث را متوجه اصل مسأله انتخابات کردند و راجع به آن هم صحبت‌هایی مطرح کردند؛ یعنی ایشان در پاسخگویی ضمن اینکه نسبت به آن چند محور پاسخ گفتند، تحلیل خودشان را نسبت به مسائل اصلی و فرعی انتخابات بیان کردند.

* یعنی شما و دیگر فضایی قم چون ادعای تقلب را نادرست می‌دانستید در این جلسه به آن نپرداختید.

بله.

* بازگردیم به جلسه با رهبر معظم انقلاب. پاسخ‌های ایشان به مسائل مطرح شده چه بود؟

در مورد رابطه با مراجع، حضرت آقا به انواع ارتباطاتی که با مراجع دارند و آمد و شدهایی که وجود دارد و حتی روابط خصوصی و گرمی که با آنها دارند اشاره کردند و گفتند من نمی‌پذیرم که در این ارتباط مشکلی به وجود آمده باشد.

* درباره ادعای جراحی بخشی از نیروهای سیاسی و در نتیجه محدود شدن چتر رهبری چه نکاتی بیان کردند؟

ایشان نسبت به این مسأله خیلی صریح و شفاف نظرات‌شان را بیان کردند، البته توقع دوستان هم همین بود. ایشان نسبت به این مباحث وارد گفت‌وگو شدند و توضیح دادند که رویکرد و عملکردشان در گذشته چه‌طور بوده و الان هم چتر رهبری برای همه نیروهای انقلاب فراگیر است. البته اشاره کردند که در خصوص انقلاب و نظام با هیچ کس رودربایستی ندارند و اگر عده‌ای در برابر نظام اسلامی و مصالح مردم بایستند آنها هستند که خواسته یا ناخواسته خودشان را از زیر چتر رهبری خارج کرده‌اند.

* چه مصادیقی از گذشته بیان کردند؟

اشاره کردند بعد از رحلت امام و در آغاز دوران رهبری‌شان، یکی از پرچمداران یکی از دو جریان سیاسی فعال در کشور (به تعبیر آن روزها جناح راست) به نزد ایشان می‌روند و ضمن معرفی افرادی برای مسئولیت‌های مختلف در دفتر رهبری، اعلام آمادگی می‌کنند که خودشان هم به عنوان مسئول دفتر رهبری فعال شوند. آقا ادامه دادند که من موافقت نکردم. منظورشان این بود که می‌خواستند دفتر رهبری تعلق به یک جناح خاصی نداشته باشد و اشاره کردند به افرادی که برای اداره دفتر انتخاب کرده بودند. گفتند: اینها در جناح‌بندی‌های موجود، علقه خاصی نداشته و یا جامعه اینها را منتسب به یک جناح خاص نمی‌شناخت.

باز اشاره کردند به کار دیگری که انجام شد و فرمودند کسانی را که به عنوان جناح و جریان چپ شناخته می‌شدند - برای مثال از آقای موسوی خوئینی‌ها نام بردند - به عنوان مشاور انتخاب‌شان کردند و امکانات در اختیارشان گذاشتند. حتی وقتی آقای خوئینی‌ها نظر رهبری درباره برخی افرادی که قرار بود با وی کار کنند را می‌پرسند، آقا به ایشان گفتند: هر کسی را شما خواستید بیاورید. البته اضافه کردند که وی چند سالی هم آمد و بعد نیامد.

*این جناح در آن شرایط بیشترین حملات را به آقای هاشمی رفسنجانی و دولت وی داشتند و از هیچ مخالفتی خودداری نمی‌کردند. در حالی که رهبر انقلاب از دولت آقای هاشمی حمایت می‌کردند؛ یعنی به رغم اینکه مواضع آنها را قبول نداشتند اما از حضور و فعالیت‌شان پشتیبانی می‌کردند.

اتفاقا موارد مشخصی را هم در این خصوص بیان کردند از جمله اینکه در اوایل دوران رهبری‌شان دو روزنامه سلام و جهان اسلام متعلق به جریان به اصطلاح چپ و منتقد و معترض سیاست‌ها و عملکرد دولت آقای هاشمی بودند و برخی‌ها بدنبال آن بودند تا با توصیه رهبری به مسئولان قضایی، این دو روزنامه تعطیل شود که ایشان با آن مخالفت کرده‌اند. به مورد دیگری هم اشاره کردند که مربوط به دوران وزارت ارشاد آقای خاتمی بود.

*در دولت اول آقای هاشمی؟

همان موقعی که گرایش‌های اقتصادی باز آقای هاشمی مشخص شده بود. رهبر انقلاب برای ما نقل کردند که روزی به آقای خاتمی گفته‌اند: حضور جریان سیاسی شما را لازم می‌دانم. من حضور دو جریان معتقد به انقلاب با سلیق مختلف سیاسی و اجتماعی را برای نظام لازم و مفید می‌دانم. همچنین ارتباطاتی را که با مجمع روحانیون داشته‌اند یادآوری کردند و اینکه از ابتدای رهبری‌شان به مجمع روحانیون کمک مالی می‌کرده‌اند.

*جمع‌بندی شما از این بخش چیست؟

خلاصه بیان‌شان این بود که از ناحیه رهبری این مراقبت وجود داشته است و بنا بر این نبوده و نیست و در عمل هم این‌گونه نشده که رهبری چتر حمایتی‌اش را نسبت به جریان‌های در خط انقلاب و مردم پوشش ندهد. صحبت‌شان این بود که از ناحیه ما دعوت و تلاش بوده اگر یک عده خودشان فاصله می‌گیرند از حوزه رهبری، دیگر برعهده ما نیست.

نکته دیگر این بود که تاکید داشتند چه در دوران امام و چه در دوران پس از امام، رویکرد و عملکرد رهبری به هیچ وجه مبنی بر جراحی و حذف افراد و گروه‌ها نبوده و نخواهد بود. منتهی همه در معرض امتحان قرار داشته و دارند. متأسفانه عده‌ای در دوره امام و جمعی هم در دوره پس از امام با مواضع و عملکردشان، خودشان را از صف انقلاب جدا کردند و دچار ریزش شدند.

*در مورد برخوردهای حذفی دیگران چه موضعی داشتند؟

ایشان برخوردهای غیرمنطقی و بعضاً توهین آمیزی را که از ناحیه نیروهای غیررسمی و به هر عنوان و بهانه‌ای انجام می‌شد را نامرتب با رهبری دانستند و صراحتاً آنها را نفی و مخالفت خود را بیان کردند. حتی وقتی یکی از دوستان گفتند که این رفتارهای نادرست دارد به جریان روشنفکری حوزوی آسیب می‌زند، آقا ضمن بیان این که من هر حمایتی را برای تحول در حوزه انجام می‌دهم به صراحت فرمودند: من اجازه نمی‌دهم جریان روشنفکری در حوزه آسیب ببیند و یا منزوی شود و هر اقدامی که لازم باشد برای تقویت شما انجام می‌دهم.

* درباره درگیری‌های خیابانی و یا حوادثی مثل کهریزک چه گفتند؟

اولاً حوادثی مثل کوی سبحان و کهریزک و... را تاسف‌بار و غیرقابل دفاع دانستند و مثلاً راجع به کهریزک به پیگیری‌هایی که خودشان کرده بودند و دستوراتی که داده بودند اشاره کردند. ثانیاً بیان کردند وقتی در کف خیابان دارد حوادثی اتفاق می‌افتد، همه نمی‌توانند در لحظه برای بهترین نوعی که می‌شود عمل کرد، تصمیم بگیرند. خطاها و اشتباه‌های هم وجود دارد. آنچنان نیست که کارهایی که شده قابل دفاع باشد. از سوی دیگر اشاره به این مطلب هم کردند که حضرت امام خیلی از مواقع نسبت به شکایت از عملکرد مسئولان می‌فرمودند که اداره کردن خیلی سخت است. یعنی کسی که در متن واقعه دارد کار می‌کند، کار خیلی دشوار است. نمی‌شود کاری بدون نقص در آورد مخصوصاً وقتی که رقیبی دارد خیلی فعال عمل می‌کند.

افزوده‌ای که ایشان بر تحلیل دوستان داشتند این بود که آنچه در متن حوادث داشت اتفاق می‌افتاد فقط بازیگران آشکار نبودند که این حوادث را رقم می‌زدند بلکه مرکزی به عنوان سازماندهی وجود داشت که در مقابل چارچوب‌های جمهوری اسلامی و نظام فعالانه عمل می‌کرد؛ یعنی در صحنه‌ای که رقیب معاند با نظام اسلامی به صورت سازمان یافته دارد هوشمندانه بحران‌سازی می‌کند، مدیریت بحران هیچ موقع خالی از خطا نیست و باید به صورت جامع همه جوانب دیده بشود و به تناسب آن با خطاها و کاستی‌ها برخورد شود.

* ظاهراً عده‌ای توقع‌شان قبل از انتخابات سال ۱۳۸۸ این بود که آقا از یک فرد دیگر به عنوان کاندیدا که به لحاظ گفتمانی محاسن رئیس‌جمهور را می‌داشت و به لحاظ عملکردی معایب وی را نمی‌داشت حمایت می‌کردند تا رئیس‌جمهور شود.

در جلسه هم یکی از دوستان این مساله را مطرح کرد که اگر از قبل روی یک فردی به عنوان کاندیدا کار می‌شد که متوازن‌تر حرکت بکند و تشنج‌آفرینی نکند کار به اینجا کشیده نمی‌شد.

* پاسخ آقا چه بود؟

اولاً گفتند خب این کار را باید شماها می‌کردید، چرا نکردید؟ ثانیاً گفتند اما اینکه توقع داشته باشید رهبری این کار را بکند، من هرگز این کار را نمی‌کنم. مقصودشان این بود که هیچگاه رهبری تلاش نمی‌کند تا از قبل یک مهندسی‌ای نسبت به انتخابات بشود.

* مهندسی انتخابات در یک مشارکت حداقلی، امکان‌پذیرتر است تا مشارکت حداکثری.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیاناتشان که استدلال می‌کردند رویکرد و رویه‌شان تغییری نکرده بر این مطلب تاکید داشتند که من (رهبری) نه تنها در این انتخابات بلکه در گذشته هم معتقد و مُصر بر مشارکت حداکثری مردم در امور از جمله مشارکت حداکثری در انتخابات بودم. ایشان استناد کردند به اختلاف دیدگاهی که بر سر این قبیل موارد با برخی از آقایان داشته‌اند و در جلسات متعدد روی آن بحث کرده‌اند. برای مثال اشاره کردند ظاهراً به دوره دوم انتخاب آقای خاتمی و گفتند: من مثل سابق، اعتقادم این بود که باید مشارکت بالا باشد و بر آن اصرار داشتم. اما برخی از آقایان همیشه با آن مخالف بودند و معتقد بودند که لازم نیست مشارکت مردم در انتخابات بالا باشد؛ اگر ده دوازده میلیون هم شرکت کنند رئیس‌جمهور مورد نظر ما انتخاب می‌شود.

* با توضیحاتی که تا اینجا دادید مشخص شد شما بر مسائل قبل و بعد از انتخابات متمرکز شده بودید.

بله. اما رهبر انقلاب اشاره کردند که مسأله اساسی در انتخابات اتهام تقلب و کشاندن مردم به خیابان‌ها برای مقابله با نظام به جای پیگیری ادعای خود از طریق قانون و مجاری قانونی بود. در واقع ایشان خواستند بگویند که اگر شما می‌خواهید آن چیزی را که دارد رخ می‌دهد، تحلیل کنید، باید ببینید که چرا این حادثه واقع شد؛ یعنی این هم باید در مرکز تحلیل شما باشد. شما فقط در این مساله که نظر بخشی از افکار عمومی جامعه چیست متوقف نشوید؛ زیرا نزاع بر سر مسأله مهم‌تری است. آقا در تبیین نظرشان سیر مسائل و برخی اقدامات انجام شده از ناحیه ایشان و دفترشان را بازگو کردند که برخی از آنها را به‌طور خلاصه توضیح خواهم داد. به گفته ایشان مشکل از آنجا آغاز شد که آقای موسوی حتی قبل از برگزاری انتخابات خود را پیروز انتخابات معرفی کردند. در روز انتخابات هم قبل از اینکه انتخابات تمام بشود، آقای موسوی اعلان کرد که پیروز قطعی انتخابات است. فردای آن روز هم دیدیم که ادعا کردند تقلب شده و باید انتخابات ابطال بشود.

* چرا ابطال؟

پرسش مهم آقا هم این بود که اگر این افراد معتقد بودند آراء جابجا و در انتخابات تقلب شده، ولی چرا شعار ابطال انتخابات را دادند؟ چرا دنبال بازشماری آراء نیامدند؟ یعنی از تقلب نرفتند به سراغ اینکه باید صندوق‌ها بازبینی بشود، بلکه رفتند سراغ اینکه آراء ابطال بشود و وقتی دیدند رهبری زیر بار حرف زور ابطال نمی‌رود فراندوم را مطرح کردند.

* گفته می‌شود ایشان برای بازگرداندن آقای موسوی به تمکین در برابر قانون و نیافتادن در دام مقابله با نظام اقداماتی را انجام داده‌اند. آیا اشاره‌ای به آنها داشتند؟

نقل کردند فردای روز انتخابات که آقای موسوی اطلاعیه‌ای مبنی بر تقلب را داده بود، ما پیغامی را برای وی فرستادیم با این مضمون که شما چرا تقلب را مطرح کردید؟ چکار می‌خواهید بکنید؟ اگر معتقد به تقلب هستید راهکار قانونی دارد و آن بازشماری است و این راه هموار بود.

* از قول آقای موسوی در محافل سیاسی ادعا شده که من مساله ابطال انتخابات را در جلسه‌ای با حضور آقای هاشمی و آقای خاتمی و... مطرح کردم و آنها هم با ابطال موافقت کردند.

این نقل قول ظاهراً به گوش رهبری هم رسیده و ایشان هم به آن واکنش نشان داده‌اند. خودشان در این جلسه نقل کردند من این ادعا را دنبال کردم. از طریق واسطه‌ای از آقای هاشمی سوال کردم آیا چنین چیزی صحت دارد؟ آقای هاشمی گفته بود آقای موسوی در جلسه مورد اشاره بحث ابطال را مطرح کرد ولی من با آن مخالفت کردم.

*درباره آقای خاتمی چه؟

فرمودند از آقای خاتمی هم توسط فردی پرسیده شد ولی او هم پاسخ داده بود که با نظر آقای موسوی مخالفت کرده است.

*روز یکشنبه ۲۴ خرداد هم آقای موسوی با رهبر انقلاب دیدار کرد.

آقا گفتند: در این دیدار آقای موسوی بحث تقلب و ابطال را مطرح کرد و من تاکید کردم: آقای موسوی شما عقلت را دست بچه‌ها نده. ابطال یعنی چه؟ چرا انتخابات با این عظمت را باید ابطال کرد؟ ادعاهایتان را از مسیر قانونی دنبال کنید و اگر مشخص شد تقلب یا تضییع حقی شده، من از استیفای حق شما دفاع خواهم کرد اما به او تاکید کردم طرح ابطال انتخابات بی‌معناست و من زیر بار آن نمی‌روم.

*آقای موسوی قبول کرده بود از طریق قانونی ادعایش را پیگیری کند؟

ظاهراً بله. آقای موسوی پذیرفت که از مسیر قانونی ادعایش را پیگیری کند اما بعد که رفتند، دومرتبه مردم را برای فردا (دوشنبه) به تظاهرات فرا خواندند و به این که مسائل از طریق قانونی پیش برود تمکین نکردند.

همچنین آقا در خصوص دعوت مردم به شورش، به بخش دیگری از مصاحبه روز قبل از انتخابات آقای موسوی با مجله امریکایی تایم اشاره کردند: وقتی خبرنگار از وی می‌پرسد با اختیارات کمی که رئیس‌جمهور در برابر رهبری دارد چکار می‌خواهید بکنید؟ آقای موسوی می‌گوید: حضور مردم در خیابان مسائل را حل می‌کند.

*حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها درباره دلایل ناموجه و غیرقانونی بودن ابطال انتخابات در مجامع عمومی توضیح داده‌اند. آیا در این خصوص مطلبی برای بازگویی دارید؟

از جمله مواردی که ایشان بیان کردند این بود که ما در دوره‌های قبل هم در برابر ابطال انتخابات ایستادیم و این کار را نکردیم. اشاره کردند به انتخابات مجلس ششم در تهران. در آن مورد، شورای نگهبان حکم به ابطال داد و به لحاظ قانونی هم در حیطه مسئولیت و شأن شورای نگهبان بود که این کار را بکنند. اما رهبر انقلاب تصریح کردند که جلوی این کار ایستادم و اجازه ندادم انتخابات مجلس ششم در تهران باطل شود، به رغم اینکه وجود تخلف محرز بود.

در مورد انتخابات دوم خرداد هم رهبری در جلسه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ با نمایندگان ستادهای کاندیداها اشاره کرده بودند که فردای دوم خرداد و انتخاب آقای خاتمی یکی از مسئولان دولتی پیش من آمد و گفت که انتخابات باید ابطال شود و من آنچنان با او برخورد کردم که انتظار نداشت.

*یعنی رهبری با ابطال مخالفت کرده‌اند، صرف نظر از نتیجه...

بله صرف نظر از نتیجه‌ای که وجود دارد؛ چون در این دو انتخابات اصلاح‌طلبان رای آورده بودند. ایشان تاکید کردند نه تنها زیر بار ابطال انتخابات نرفته و نخواهند رفت حتی تاخیر در برگزاری انتخابات مجلس هفتم را هم که عده‌ای دنبال آن بودند نپذیرفتند؛ زیرا یک آسیب جدی به کشور و ایجاد بحران برای مردم و نظام است. همان‌طور که سیره امام هم نسبت به این مسأله این‌گونه بوده است. یعنی اصل انتخابات آنچنان اصل مهمی است که حریم آن نباید به این سرعت و با بهانه‌های واهی و غیرقانونی و یا با اردوکشی خیابانی مخدوش شود.

ایشان گفتند اگر انتخابات باطل شود، باید ده بیست روز دیگر مجدداً برگزار شود. چه کسی باید انتخابات را برگزار کند؟ وزارت کشور و شورای نگهبان. خب آقایان می‌گویند به این دو تا که اعتماد نداریم، پس باید عوض شوند. وزیر کشور به مجلس معرفی شود، رأی بیاورد یا نیاورد. و سپس رئیس ستاد انتخابات و دیگر عناصر اصلی هم باید عوض شوند. از طرف دیگر اعضای شورای نگهبان هم باید عوض شوند. یعنی پنج شش ماه کشور تعطیل و دچار بحران شود.

به بیان رهبری، مسأله اصلی این بود که این افراد نمی‌خواستند تسلیم قانون شوند و فکر می‌کردند که می‌توانند با کشاندن مردم به خیابان‌ها، نظام را تسلیم خواست غیرقانونی و غیرمنطقی و بحران‌آفرین خود کنند. والا اگر اینها در چهارچوب قانون عمل می‌کردند، راه باز بود. همچنان که به گفته آقا: من به خودشان و نمایندگان‌شان و افراد بسیاری که خیرخواهانه برای حل و فصل مسائل، در ارتباط با این آقایان بودند گفتم درباره هر صندوقی که شکایت دارند بازشماری انجام شود. حتی موافقت کردم به شکل تصادفی تعدادی از همه صندوق‌ها بازشماری شود و اگر تغییری ایجاد شد، تعداد بیشتری از صندوق‌ها را ادامه دهند و برای این کار از شورای نگهبان خواستم زمان را برای بررسی زیاد کنند. البته آنها تن به بازشماری صندوق‌ها ندادند ولی این کار هم انجام شد و نتیجه بازشماری با آنچه اعلام شده بود، مغایرتی نداشت. به اعتقاد آقا معلوم بود دیگرانی هستند که پخت و پز می‌کنند و این افراد را اداره می‌کنند.